آبگرمکن، یخچال، فریزر، اجاق گاز و اشیای بلند و بسیار سنگین باید با بست یا تسمه‌های مناسب به کف و دیوار منزل محکم شوند.

پرتره

واضع نظریه جمعیت

۲۵۳ سال پیش در چنین روزی (۱۴ فوریه ۱۷۶۶)، توماس رابرت مالتوس، یکی از مشهورترین اقتصاددانان جهان در شهر ساری انگلستان به دنیا آمد. مالتوس را به عنوان مبدع دو نظریه مشهور «رانت» و «جمعیت» در علم اقتصاد می‌شناسند. مالتوس نخستین استاد رسمی اقتصاد در انگلستان بود و نقش بزرگی در تزریق پژوهش‌های جمعیت‌شناسی در دانش‌های اجتماعی داشت. به عقیده مالتوس ریشه کلیه مصیبت‌ها در عدم تناسب میان افزایش جمعیت و محدوده مواد غذایی است و دنیا باید بین این دو پارامتر به دنبال برقراری یک تناسب معقول باشد. او نخستین و یکی از مشهورترین کتاب‌های خود را تحت عنوان «رساله‌ای درباره اصول جمعیت» در سال ۱۷۹۸ به چاپ رساند. او در این کتاب نیز به تبیین نظریه «جمعیت» پرداخته و آن را با جزییات توضیح می‌دهد.

تذکره

مخترع ماشین تایپ

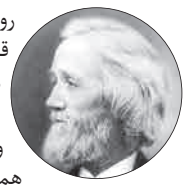

روزگاری دوات و لیقه و پر عقاب و قلم نِی از ملزومات نوشتن به شمار می‌آمدند و کاتبان دیوانی و بعدها نویسندگان از این وسایل که به واقع ابزار کارشان به شمار می‌رفت، همچون جان شیرین مراقبت می‌کردند. بعدها مداد و سپس خودکار اختراع شد و نوشتن از کاری پرمشقت به عملی سهل مبدل شد. همه اینها بود تا روزی که کریستوفر لتم شولز تصمیم گرفت در ادامه روند ماشینی‌شدن همه امور زندگی در قرن ۱۹ میلادی، عمل نوشتن را نیز به زیر یوغ ماشین دربیاورد، پس ماشین تحریر را اختراع کرد. تا پیش از شولز مبتکران بسیاری بخت خود را برای ساخت چیزی که امروز از آن با عنوان ماشین تحریر یاد می‌شود، امتحان کردند، اما درنهایت این او بود که نخستین ماشین تایپ استاندارد جهان را در سال ۱۸۶۸ ساخت و به ثبت رساند. شولز همچنین مبدع صفحه کلید QWERTY نیز هست که همچنان به صورت وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۲۰۴ سال پیش در چنین روزی، برابر ۱۴ فوریه ۱۸۱۵ میلادی، کریستوفر لتم شولز، مخترع آمریکایی در مورسبرگ پنسیلوانیا به دنیا آمد.

فوکوس

به آتش کشیدن ماکت سلمان رشدی توسط مسلمانان هند، در دهمین سالگرد صدور فتوای امام خمینی (ره) | دهلی نو - ۱۹۹۹

۳۰ سال پیش در چنین روزی، برابر ۱۴ فوریه ۱۹۸۹ میلادی، امام خمینی (ره) با صدور فتوایی سلمان رشدی، نویسنده هندی‌الاصل انگلیسی و خالق کتاب موهن «آیات شیطانی» را به دلیل توهین به پیامبر اسلام مرتد خوانده و محکوم به اعدام کردند.

فرجام

ثبت اختراع تلفن

«آقای واتسون، لطفا تشریف بیاورید اینجا»! این همان جمله مشهوری است که در نخستین ارتباط صوتی غیرمستقیم بین دو انسان بر زبان آمد و از آزمایش موفقیت‌آمیز یکی از مهمترین اختراعات بشر یعنی «تلفن» خبر داد. الکساندر گراهام بل مخترع و دانشمند اسکاتلندی/آمریکایی دوم ژوئن ۱۸۷۵ میلادی، دستیار خود توماس واتسون را که در طبقه پایین مقابل دستگاه تازه اختراع شده- که هنوز اسمی نداشت- نشسته بود، با ادای این جمله به اتاق خویش فرا خواند و چند لحظه بعد با صورت هیجان‌زده دستیار جوان خود روبه‌رو شد. امروز سالروز ثبت حق انحصاری اختراع تلفن است که ۱۴۳ سال پیش در چنین روزی، برابر ۱۴ فوریه ۱۸۷۶ میلادی اتفاق افتاد و اداره ثبت اختراعات ایالات متحده امتیاز بهره‌برداری از این وسیله جدید را به الکساندر گراهام بل اعطا کرد. درهمان روزی که این مخترع اسکاتلندی‌الاصل برگه مشخصات اختراع خود را تحویل اداره ثبت اختراعات داد، تنها چندساعت بعد فرد دیگری نیز اختراعی مشابه را به ثبت رساند اما به دلیل همین تأخیر چندساعته حق تقدم بهره‌مندی از دستگاه انتقال صوت فقط به گراهام بل تعلق گرفت.

دژاوو

اصل اصالت جایزه! از سارتر تا غنی‌زاده

علی اناری | پایان جشنواره فیلم فجر در بهمن‌ماه هر سال، به معنی آغاز مجادله جدیدی با موضوع شایستگان از سیمرغ بازمانده و ناشایستگان سیمرغ گرفته در صفحات سینمایی مجلات، روزنامه‌ها و سایت‌هاست. حال اگر مثل امسال کسی هوس کرده باشد با رو کردن یک حرکت جدید در قالب نپذیرفتن سیمرغ، در آن واحد به مارلون براندو، وودی آلن و خسرو گلسرخی ادای دین کند هم که دیگر واویلا! بیایید صادق باشیم؛ جشنواره فیلم فجر در بهترین تعریف خود یک دورهمی است و کار وقتی برای همه مشکل می‌شود که برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان بخواهند آن را از چیزی که واقعا هست، جدی‌تر بگیرند. پیشنهاد یکی از اعضای هیأت داوران مبنی بر گنجاندن تبصره‌ای در آیین‌نامه جشنواره مبنی بر تنبیه نپذیرندگان سیمرغ از همان قِسم جدی گرفتن‌هاست که فقط بار کمدی ماجرا را افزونی می‌بخشد. سارتر هم نوبل ادبیات را نپذیرفت و اتفاقی نیفتاد، سیمرغ که جای خود دارد!

سینمای ۱۵ میلیون دلاری ما!

جالب آن که این جشنواره تا همین چندسال پیش «بین‌المللی» هم بود اما برخی دوستان به این نتیجه رسیدند جشنواره خیلی مهیب شده و دیگر کشش «ملی» و «بین‌المللی» آن‌هم به صورت توأمان را ندارد! پس «ملی»‌اش را انداختند این ورسال و «بین‌المللی»‌اش را انداختند آن ورسال تا خدای‌نکرده قابلیت‌های هیچ‌کدام هرز نرود! صحبت از جشنواره‌ای است که هنوز و بعد از گذشت ۳۷ سال در حال آزمون خطاست و البته که هنوز تصمیم نهایی‌اش برای این که در سیاست‌گذاری و اجرا شبیه کدام یک از جشنواره‌های جهانی باشد را اتخاذ نکرده! از جشنواره فراتر رفته و کمی عمیق‌تر شویم؛ صحبت از سینمایی است که اخیرا گردش مالی آن چیزی بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیارد تومان در سال اعلام شده است؛ یعنی چیزی در حدود ۱۵ میلیون دلار! با خودمان که دیگر شوخی نداریم! داریم!؟

داوران جشنواره سی و هفتم

«پرده آخر» و آپارتمان شماره ۱۳!

سیستم انتخاب اثر و داوری در جشنواره فیلم فجر تا حدود زیادی متاثر از جشنواره فیلم کن است. براین اساس، ۷ نفر به‌عنوان داور انتخاب می‌شوند تا در یک ماراتن ۱۰ روزه به تماشای فیلم‌های حاضر در جشنواره نشسته و نهایتا آنهایی را که به زعمشان شایسته دریافت جایزه هستند، انتخاب کنند. در چنین سامانه‌ای که همه چیز بر مدار سلیقه، تفکر و جهان‌بینی ۷ انسان زمینی می‌گردد، هر اتفاقی ممکن است رخ دهد. به این مورد توجه کنید؛ در سال ۱۳۶۹ ستاره بی‌بدیل نهمین دوره جشنواره فیلم فجر بی‌ترید فیلم «پرده آخر» ساخته باروژ کریم مسیحی بود. «پرده آخر» از این جشنواره ۹ جایزه درو کرد؛ از جمله سیمرغ‌های مهمی چون کارگردانی، فیلمبرداری، نقش اول زن و... یک سوال مهم: می‌دانید سیمرغ بهترین فیلم در این جشنواره نصیب چه فیلمی شد؟ جواب: «آپارتمان شماره ۱۳»! سال‌ها بعد خبرنگاری یکی از اعضای هیأت داوران جشنواره نهم را مورد سوال قرار می‌دهد که: «حالا چرا آپارتمان شماره ۱۳؟» و پاسخ می‌شنود: «دیدیم فیلم خوبیه، گفتیم یه سیمرغ هم بدیم به این»!

معما

عزل احمدشاه از فرماندهی کل قوای نظامی

تاریخ معاصر ایران خصوصا اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی مشحون از اتفاقات عجیب و غریبی است که شاید تنها بتوان از دریچه «مقتضیات زمان» آنها را به تحلیل نشست و درک کرد. این دوره‌ای است که دخالت‌های دولت‌های روس و انگلیس در امور داخلی ایران به حداعلای خود رسیده است و ضعف حکومت مرکزی می‌رود تا بار دیگر خاطره دوران «ملوک‌الطوایفی» و «هر منطقه یک گردنکش محلی» را در اذهان زنده کند. ضعف احمدشاه قاجار در اداره کشور و بی‌تمایلی فطری او به امر سلطنت را البته شاید بتوان یکی از مهمترین دلایل این هرج و مرج تلقی کرد و شاید اگر نبود میراث مشروطه و وجود بزرگانی چون سیدحسن مدرس، ملک‌الشعرای بهار، مشیرالدوله و... وضع ایران بدتر از چیزی می‌شد که امروز با مرور تاریخ قابل مشاهده است.

شاهِ بی‌تفنگ

نود و چهار سال پیش در چنین روزی، برابر ۲۵ بهمن ۱۳۰۳ خورشیدی، به حکم مجلس شورای ملی احمدشاه قاجار از فرماندهی کل قوا عزل شد و اختیار کلیه قوای نظامی مملکت به رضاخان سردار سپه سپرده شد. با این اتفاق درواقع برای نخستین‌بار یک شاه ایرانی در حین سلطنت اختیار امور نظامی را از کف می‌داد و مهمترین اهرم اعمال قدرت خود را به فرد دیگری واگذار می‌کرد. در این که رضاخان از لحظه ظهور جدی در تاریخ سیاسی ایران یعنی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی به فکر تصاحب تاج و تخت بود، شکی وجود ندارد، اما این که مجلس شورای ملی به‌عنوان میراث‌دار انقلاب مشروطه زیر بار چنین اقدامی برود از آن وقایعی است که در سطور نخستین همین مطلب از آن با عنوان «عجیب و غریب» یاد شد. احمدشاه هر چند ضعیف و فراری از دنگ و فنگ‌های پادشاهی، در زمان عزل از فرماندهی کل قوا سلطانی رشید و قادر به اداره امور مملکت به شمار می‌رفت و به‌واقع اتفاقی نیفتاده بود که مجلس یا هر نهاد قانونی دیگری به این نتیجه برسد که او صلاحیت تمشیت امور مهم کشور را ندارد.

ترفند مجلس

این که چرا در صحن مجلس مخالفتی جدی با این تصمیم انجام نشد تا حدود زیادی به بازی زیرکانه رضاخان و تمایل ظاهری او به در رأس نشان دادن مجلس برمی‌گشت. رضاخان در این دوره بیشترین ارتباط را با نمایندگان مهم مجلس برقرار کرد و در ملاقات‌های حضوری همواره از کارشکنی‌های شاه و درباریان در اداره امور کشور گلایه می‌کرد. از سوی دیگر، نمایندگان موثر مجلس نیز با توجه به آشنایی با روحیات رضاخان، نگران این بودند که او پس از مشاهده مقاومت مجلس بازی قدرت را بر هم بزند و با کودتایی دیگر خود به تنهایی در رأس همه امور قرار گیرد. از این رو، بسیاری از تحلیلگران تاریخ معاصر ایران این امتیاز یعنی فرماندهی کل قوا را سیاستی موقت برای فرونشاندن میل ریاست‌طلبی رضاخان قلمداد کرده‌اند، هر چند که ترفند فوق نه تنها کارگر نیفتاد، بلکه عطش او را برای تصاحب همه‌جانبه قدرت سیاسی در کشور فزونی بخشید.

جدول شماره ۱۶۲۰

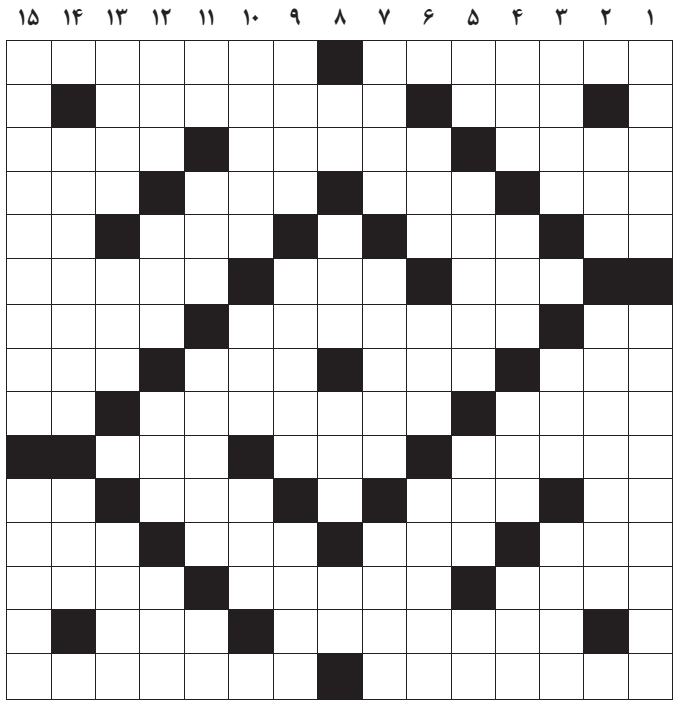

افقی

۱-حشره‌ای کوچک سرخ‌رنگ با خال‌های سیاه- صاحب‌منصب نظامی
۲-بدان کار برآید- از گل‌های زینتی
۳-هر ظرف گلی- درجه‌ای انتظامی- مجلس نمایندگان روسیه
۴-حرص و طمع- محله- ضربه با پا- سگ بیمار
۵-دندان متحرک- کلید- هر چیز تیز و برنده- چهره
۶-واحد کاغذ- قدم- عزیز و محبوب
۷-آرواره- محتاج- از مصالح ساختمانی
۸-رشته کوه اروپا- شیوا- خارج از حد- تیر و پیکان
۹-توانایی- نخستین‌نام مهار- دهان
۱۰-سوخت خودرو- پاره هر چیز- تهیدستی
۱۱-لخت- گل مرداب- نخ‌های افقی پارچه- حیوان وفادار
۱۲-هر چیز کروی- قمر- فشار- گروه مردم
۱۳-کلاه جنگی- جادوگری- نشانه‌تیراندازی
۱۴-هر آن چه متناسب نباشد- نابودی
۱۵-از سرداران ترک‌زبان جنبش مشروطه ملقب به سردار ملی- ضمانت

عمودی

۱-مخزن نگهداری گاز- ماده‌ای مرکب از الیاف شیشه و رزین‌های پلیمری
۲-سپیده‌دم- نهادی برای حفظ نظم
۳-نصف قطر- کرک‌های ریز پارچه- پرنده‌ای شبیه لک‌لک
۴-زخم عفونی- صدسال- تبار- از آلات موسیقی
۵-رها- قاشقی بزرگ جهت سرو برنج- ستاره- مغز
۶-سستی- اندوه شدید- حرام و ناشایست
۷-ورزشی دونفره- بیان وضعیت- مخلوط کن
۸-گیسو- نپخته- تخصیص مال و املاک جهت امور خیریه- ضمیر غایب
۹-گوشا- ستونی بلند در مساجد برای گفتن اذان- حیوانی درنده
۱۰-نوعی بالاپوش مردانه- بخار آتش!- فرشته
۱۱-من و شما- قابلمه بزرگ- از بیماری‌های عفونی که میکروب آن از طریق نیش شپش منتقل می‌شود- شکوه
۱۲-قطب مثبت- مقابل شرق- معامله‌ای که بهای آن پرداخت شود- مجلس نمایندگان
۱۳-ناله و فغان- هزار- درون چیزی
۱۴-خزنده موزی- لغو امتیاز
۱۵-نام عمومی مجموعه داستان‌های معروف- محل نمایش آثار هنری

حل جدول شماره ۱۶۱۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ق	ر	د	■	س	ر	ب	ا	ز	■	م	ی	ل	ا	ن
۲	ا	ب	د	ا	ر	خ	ا	ن	ه	■	ک	ا	س	ک	ت
۳	م	و	■	س	ی	ا	ق	■	ر	و	ا	س	■	ا	ن
۴	و	د	ا	د	■	م	ل	س	■	ق	ر	ا	و	ل	■
۵	س	ن	گ	س	ا	■	ا	ط	ع	ا	م	■	ح	ی	ف
۶	■	■	ا	ت	ق	ی	■	ح	ج	ر	■	ا	ش	پ	ل
۷	چ	ا	ه	■	ر	ز	ا	ی	ا	■	ا	ز	ی	ت	ا
۸	ک	س	■	م	ا	د	ه	■	ی	ت	ی	م	■	و	ن
۹	ا	م	ر	ا	ض	■	ا	ت	پ	ی	ن	■	ا	س	ی
۱۰	و	ا	ح	د	■	ت	ن	گ	■	م	ا	د	ی	■	■
۱۱	ک	ن	ی	■	م	ی	ت	ر	ا	■	ن	ی	ا	پ	ت
۱۲	■	خ	ل	ب	ا	ن	■	گ	ل	ف	■	و	ز	ی	ر
۱۳	ح	ر	■	ا	ز	ر	م	■	ی	ا	ر	ا	■	ر	ت
۱۴	ر	ا	د	ی	و	■	ت	ا	ک	س	ی	ر	ا	ن	ی
۱۵	ب	ش	ا	ر	ت	■	ل	ب	ا	د	ه	■	خ	چ	ل